

اتحادیه اروپا و سیاست اجتماعی

آمی کی ماکینن*
ترجمه علی علی‌آبادی

تنظیم برنامه سیاسی و ایجاد ائتلافها، به ترتیب برای توضیح موفقیت نسبی سیاستهای نظارتی و برابری جنسیتها استفاده می‌کنند.

هر یک از این مولفان برخی از منافع، سازمانها و نهادهایی را شناسایی می‌کنند که در ایجاد سیاستهای امروزی ما مهم فرض می‌شود. اما این پروژه در کل، از واژگان یکپارچه‌ای برای مفاهیمی که مؤلفان مهم می‌دانند، منتفع است و نیز از چهارچوب مشترکی برای تبیین نظام‌مند نقشهایی برخوردار است که بازیگران مهمی آنها را ایفا می‌کنند: بازیگرانی چون گروههای ذینفع در سطح ملی و اروپایی، مقاماتی در نهادهای ملی و اروپایی و نیروهای بازار. پس برای مثال اگر دولتهای ملی تأثیر زیادی بر اجرای برخی سیاستهای اروپایی ندارند، باید به طور نظام‌مندی به این مسئله اشاره کرد و به طور مختصر دلایل آن را توضیح داد.

این کتاب همچنین خواننده را در میان انبوهی از سیاستهای چند سطحی و علتها و معلولهای این سیاستها، به خوبی هدایت می‌کند؛ و در عین حال از مزیت مقایسه‌ای تجارب مؤلفان و نیز تنوعی از شواهد به دست آمده از حوزه‌های بازرگانی، سیاست و اقتصاد نیز برخوردار است، حوزه‌هایی که به مسائل استقلال ملی و سیاست اجتماعی اتحادیه اروپا مربوطاند. با توجه به این که این کتاب یکی از مجموعه‌های بلند پروازانه در حوزه سیاست اروپایی و استقلال ملی است، خواننده برای درک بهتر نظام سیاست‌گذاری اروپایی به یک نقشه راهنما نیاز دارد و نه صرفاً مطالبی خلاصه شده.

انتقاد من در مورد این تحلیل معطوف کثیری از کتابهای تألیف شده است که در قالب یک ژانر درآمدند و همگی محصول کاربرد گسترده این ژانر در تحقیقات اتحادیه اروپا است.

بنابراین، انتقادات من به طور خاص چندین شامل حال هاین و قاسم نمی‌شود و به طور کلی خطاب به پروژه‌های پژوهشی بزرگ‌تر است که توسط نویسندگان منفرد یا گروه‌های پژوهشی در عرصه‌های سیاست‌گذاری اروپایی انجام می‌شود.

پی‌نوشت:

* Amy K. Makinen, University of Rochester

منبع:

The journal of Politics, Vol. 61, Issue 3 (Aug. 1999), 886-887.

دیوید هاین و حسین قاسم در فراسوی بازار به بررسی گسترده‌ای از سیاست‌گذاری اجتماعی می‌پردازند که اتحادیه اروپا به کمک آنها استقلال دولتهای عضو را به مخاطره افکنده است، آن دو مقالاتی را گردآوری کرده‌اند که عرصه‌های سیاسی مختلف را از چشم‌اندازهای جالب و گوناگون مورد بحث قرار می‌دهد.

آراء تخصصی نویسندگان علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق و روزنامه‌نگاری سیاسی به خواننده این مجال را می‌دهد که به اطلاعات زیادی در باب بازار کار کنونی، اشتغال، آموزش، محیط‌زیست و برابری جنسیت در سطوح ملی و اروپایی دست یابد. اما این اطلاعات به قیمت تحلیلها و بررسیهای کاملی از میزان نقض استقلال در تمام عرصه‌های سیاسی به دست می‌آید.

فصول اصلی کتاب بر سیاستهای مرتبط با کار متمرکز است: سیاست بیکاری، شراکت کاری، شراکت اجتماعی و شوراهای کار، شرایط اشتغال و اجتماعی و نقل و انتقالات اجتماعی. در این‌جا خواننده به بررسی دقیقی درخصوص پیچیدگیهای سیاست‌گذاری در بین نهادهای چند لایه اروپا دست می‌یابد. فصل مربوط به شراکت اجتماعی نوشته مایکل گولد مثال خوبی از توافقات میان کارفرمایان و کارکنان است. او همچنان که به شرح توسعه شراکت اجتماعی به مثابه ابزاری سیاسی در سطح اروپا می‌پردازد، ضرورت برقراری توازن در بین منافع متقابل کارفرمایان و کارکنان، توانمندی‌های سازمانی گروه‌های اروپایی نماینده آنها، ابتکارات و پافشاری کمیسیون اروپایی برای دستیابی به توافقات در سطح اروپا را مورد تأکید قرار می‌دهد.

با این حال، همان‌گونه که گولد اشاره می‌کند با وجود تحقق تمام شرایط و حصول توافق بر سر پاره‌ای مسائل، هنوز فرایند شراکت اجتماعی مورد انتقاد است، آن هم تحت این عنوان که فرایندی غیر دموکراتیک است و موفقیت اجرای آن بسته به شرایط هر بخش از صنعت، متفاوت خواهد بود.

در جایی که توافق دولت ملی برای تقویت توافقات در سطح اروپایی مانند هماهنگ‌سازی منافع قانونی کارگران پاره وقت و تمام وقت ضرورت می‌یابد، مانع دیگری بر موانع قبلی افزوده می‌شود.

مارتین رودز در فصل سوم به ارائه تصویر شفافی از منافع شخصی سیاست‌گذاران ملی می‌پردازد، منافعی که به هنگام کنترل برنامه‌های رفاهی در سطح ملی وجود دارد. با عنایت به گستره‌ای که براساس آن هر



- Beyond the Market:
The Eu and National Social Policy
- David Hine & Hossein Kassim (eds)
- New York: Routledge
- 1998

سیاست برای ساختار یک کشور و برای حفظ پیوندهای حمایتی انتخاباتی (از طریق ارائه کالاهای سیاسی) اهمیت می‌یابد، دولتهای ملی حاضر نمی‌شوند از کنترل برنامه‌های رفاهی صرف‌نظر کنند.

فصول بعدی که به مباحث برابری جنسیتها و آموزش محیط‌زیست می‌پردازند، نشان می‌دهد که این مسائل، اساساً کمتر به سیاست سنتی کار مربوطاند و ممکن است اجرای آن در سطح اروپا مطلوب‌تر باشد.

بنابراین، سیاست آموزش حرفه‌ای که به مثابه توافقی ملی در بین کارفرمایان و دولتها تثبیت شده است، در برابر تغییرات اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا مقاوم‌تر از مقررات زیست‌محیطی با ظواهر آشکارتر و مشکلات عمل جمعی است.

در کانون توانایی اتحادیه اروپا در ایجاد سیاستهایی که استقلال ملی را محدود می‌سازند، گستره بزرگی از توانمندیهای احزاب ذینفع در سازمان‌دهی در سطح اروپا و استفاده کافی و مناسب از سازوکارهای نهادی و تبیین مباحثی که ضامن هماهنگی با سیاستهای فراملی است، قرار دارد.

چند نویسنده و به ویژه جیان دومینیکو ماژون و سانیا مازی، از نظریه‌های علوم سیاسی موجود درباره